

جهانشیر

سردریشید جهانشیر بحر دستانی
به روایت برادران صورت بحر دستانی و دیگران

غلامحسین ریانورد



سروشنامه در یانورد غلامحسین، ۱۳۴۲ -

عنوان و نام پدیدآور: جهانشیر: سردار شهید جهانشیر بهردستانی
به روایت برادرش قدرت بهردستانی و دیگران.

مشخصات نشر: یانورد، ۱۳۹۸.

مشخصات ظاهری: ۲۵۶ ص:، مصور، ۱۳۰/۵/۲۱ لاس م

شابک: ۹۶۸-۶۰۰-۸۰۷۰-۶۸-۹ ۹۷۸-۶۰۰-۸۰۷۰-۶۸-۹ وضعیت فهرست نویسی: فیا

عنوان دیگر: سردار شهید جهانشیر بهردستانی به روایت برادرش قدرت بهردستانی و دیگران.

موضوع: بهردستانی، جهانشیر، ۱۳۶۵-۱۳۴۶.

موضوع: بهردستانی، قدرت، ۱۳۵۰ -

موضوع: شهیدان - ایران - بازماندگان - خاطرات

موضوع: Martyrs -- Iran -- Survivors -- Diaries

موضوع: جنگ ایران و عراق، ۱۳۵۹-۱۳۴۶. شهیدان

موضوع: Martyrs -- Iran - Iraq war، ۱۹۸۰-۱۹۸۸

رده بندی کنگره: DSR۱۴۲۶

رده بندی دیویی: ۹۵۵/۰۸۴۳/۹۲

شماره کتابشناسی ملی: ۵۸۴۰۶۰۶



انتهای

سردار شهید جهانشیر بهردستانی

به روایت برادرش قدرت بهردستانی و دیگران

غلامحسین دریانورد

« طرح جلد و صفحه آرایی: میثم مستقیم »

« انتشارات: دریانورد »

« شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه »

« چاپ: اول، ۱۳۹۸ »

« شابک: ۹۶۸-۶۰۰-۸۰۷۰-۶۸-۹ »

« نشانی: بندر گناوه، میدان امام خمینی،

مجتمع تجاری جمالزاده- واحد ۳۰۲

طبقه اول

« تلفن: ۹۱۲۶۸۷۷۷۰۰ »

« قیمت: ۴۰۰۰۰ تومان »

فهرست

۷	مقدمه
۱۱	دست‌اول: از چهره برادر
۱۳	یکم
۲۰	دوم
۲۳	سوم
۲۵	چهارم
۳۰	پنجم
۳۵	ششم
۵۸	هفتم
۶۰	هشتم
۶۹	نهم
۷۲	دهم
۷۴	یازدهم
۷۹	دوازدهم
۸۳	سیزدهم
۹۲	چهاردهم
۱۰۱	دفتر دوم: از پنجره دیگر
۱۰۳	مسافر همه از ره رسید الا من
۱۱۰	آن کس که تو را شناخت
۱۱۱	آن نگاه مهربان
۱۱۲	سفر آخر

۱۱۳		خیلی زیبا نماز می خواند
۱۱۶		تا یادگاری از جهانشیر بماند
۱۱۹		ماه نو و فصل درو
۱۲۲		از دوست و همسنگرم جهانشیر
۱۲۶		پاکی و صداقت و شجاعت
۱۲۹		همیشه به یادت هستیم
۱۴۲		جهانشیر من
۱۴۷		اصرا گریه آمیز
۱۵۰		چشم فشانده
۱۵۵		نه عداوت هم نفس
۱۵۷		پله پله
۱۵۸		شمعی در محل ما
۱۶۰		این دوست این بری
۱۶۶		آخرین دیدار
۱۶۹		دفتر سوم: یادداشت‌ها و رسم
۱۹۶		نامه‌هایی از شهید
۱۹۸		«وصیت نامه‌ی شهید»
۲۰۱		دفتر چهارم: اسناد و تصاویر



"هجدهم مرد ۱۳۴۶ ر رستای بهمنیاری از توابع شهرستان گناوه^۱ به دنیا آمد پدرش ناد، امدار بود و مادرش زینب نام داشت.

۱. شهرستان گناوه یکی از شهرستانهای استان بوشهر است. مرکز آن شهر گناوه است. این شهرستان دارای ۲ بخش ۲ دهستان و ۲ شهر با ۵۱ آبادی است. بخش مرکزی شهرستان گناوه، دهستان حیات داوود، شهرها: بندر گناوه، حش، دهستان رودحله، شهرها: بندر ریگ.

شهرستان گناوه با مساحتی حدود ۱۸۲/۷ کیلومترمربع در ساحل شمالی خلیج فارس قرار دارد. این شهرستان از شمال غربی به شهرستان دیلم، از شمال شرقی به استان فارس و از جنوب به شهرستان دشتستان، از جنوب به شهرستان بوشهر و از مغرب به خلیج فارس منتهی می‌شود. جمعیت آن بر اساس سرشماری نفوس مسکن که در اوایل مهر ماه ۹۵ انجام شد ۴۸ هزار و ۲۰۰ نفر اعلام شد.

ساکنان این شهرستان از اقوام مختلفی تشکیل شده‌اند. زبان مردم گناوه لری جنوبی هست و مردم این شهرستان اصالتاً لر هستند از طوایف مختلف لر تشکیل شدند، از جمله لر گناوه‌ای حیات‌دا و ... و زبان مردم گناوه برای سایر لرهای جنوبی کاملاً مشابه و قابل درک هست، اقلیت و مهاجرینی هم در شهر هستند که از قدیم تا کنون برای کار مهاجرت کردند که عمدتاً فارسی‌زبان یا از بندری هستند.

شهرستان گناوه جلگه‌ای خشک و بیابانی است و ارتفاعاتی در شمال و شمال غربی دارد. رودخانه حله از محل درودگاه با تلاقی دو رود دالکی و شاپور پس از عبور از جنوب شهرستان گناوه (دهستان حله) به خلیج فارس می‌ریزد. رودخانه شور از ارتفاعات گچ‌ترش و کلاه‌فرنگی سرچشمه گرفته و از حد فاصل دهستان حیات داوود و شبانکاره گذشته و در خور مزین وارد خلیج فارس می‌شود. هر دو

تا پایان دوره راهنمایی درس خواند. سال ۱۳۶۴ ازدواج کرد. به عنوان پاسدار در جبهه حضور یافت. چهارم دی ماه ۱۳۶۵ در جزیره سهیل عراق به شهادت رسید. پیکرش مدت‌ها بر جاماند و نهم اسفند ۱۳۷۷ پس از تفحص در شهرستان زادگاهش به خاک سپرده شد.^۱

کتاب فرهنگ اعلام شهدا استان بوشهر، این گونه به معرفی شهید جهانشیر بکردستانی^۱ می‌پردازد. کوتاه و گویا؛ تا کلیدواژه‌ای باشد که مراد زندگی و دنیای نا آرام این شهید شویم. قبلاً از این بزرگوار در کتاب سهروردان بهشت گفته بودم هر چند گذرا و کوتاه. بعدها هم در کتابی دیگر از این شهید بیشتر گفته شد. اما خدا را سپاس که دوباره فرصتی فراهم شد که از آن عزیز بگوئیم این بار بیشتر و در هیئت این کتاب.

جهانشیر را از اوایل دهه شصت می‌شناسم آن موقع من به عنوان یک دانش‌آموز و همچنین یک پاسدار نیمه وقت در سپاه و در روابط عمومی آن مشغول خدمت بودم. و این فرصت را فراهم می‌کرد تا با بیشتر بسیجیان شهرستان گناوه آشنا بشویم و با خیلی از آن‌ها نیز پیمان دوستی و برادری ببندم و بیشتر آن‌ها را بنابر خصوصیات بسیجیان دانش‌آموز، جهانشیر اگر چه چهار سال کوچک‌تر از من بود

رود غیر فصلی، دیمی و شور می‌باشند.

پایه اقتصاد مردم گناوه و به خصوص شهر گناوه بر اساس تجارت با کشورهای حاشیه خلیج فارس و به ویژه امارات است.

۱. گویا نام خانوادگی رسمی و شناسنامه‌ای شهید «بکردستان» است. اما از آن جا که همه به ویژه دوستان، همسنگران و همشهریان ایشان او را با نام خانوادگی «بکردستانی» و «بکردستانی» می‌شناسند، ما در این کتاب از ایشان با نام خانوادگی «بکردستانی» یاد می‌کنیم.

و سن و قدش به جبهه نمی خورد. مثل خیلی دیگر از بسیجی ها با هر ترفندی خود را در سن ۱۲ الی ۱۳ سالگی به جبهه رساند تا این طرف تر برادرش قدرت را تنها بگذارد. او چند سالی می شد که برادرش قدرت را برای ادامه تحصیل با خود به گناوه آورده بود. قدرت هم که راه بسیج را پیدا کرد و در هجر و انتظار برادر، پاتوقش بسیج شد و البته روابط عمومی سپاه که در کنار بسیج واقع شده بود. و آغاز شنای من با این یکی برادر که گویا همزاد بودند و دو قلو، و سببی که به شانه شمشیر داشتند؛ از همین جا و همین سال ها بود. بعدها و در طول هشت سال پایداری و دفاع مقدس بیشتر با این برادران آشنا شدم از همین روابط عمومی در زادگاهم گناوه تا جبهه و تیپ بچه های استان بوشهر یا همزی و تیپ امیرالمومنین (ع). اگر چه باز من در واحد تبلیغات ناو تیپ بودم و این دو برادر در گردان های رزمی مشغول خدمت بودند اما باعث نمی شد که از دیدن و مراوده و هم صحبتی با این دو عزیز محروم بشوم. از همان روزهای نخست دریافتم که آنان چه شور و هیجان خاصی برای خدمت به جبهه دارند و تلاش می کنند و ترجیح می دهند که اوقات خود را بیشتر در خط مقدم و در صف اول عملیات به سر کنند. شجاعت و رشادت این دو برادر عیان بود و زبانزد شد. ترسی از رویارویی با دشمن نداشتند و خود را وقف مبارزه کرده بودند و دوشادوش همدیگر در بیشتر عملیاتی که ناو تیپ امیرالمومنین (ع) در آن نقش داشت حضور داشتند.

قدرت در بخش اول کتاب برای ما از برادر شهیدش جهانشیر می گوید. از دوران کودکی در روستای اسلام آباد بهمنیاری تا جبهه های

جنوب. پس بگذارید و اجازه دید که من دم فرو بندم تا خود قدرت از برادرش برای ما بگوید و ما جهانشیر را از چشم برادر بینیم.

در بخش دوم کتاب دیگران از جمله همسر بزرگوار این شهید و دیگر اقوام و خویشان و همچنین برخی از دوستان و هم‌رزم‌مان شهید از او می‌گویند از زندگی و مبارزه و رزمندگی او.

در بخش سوم خود جهانشیر با ما سخن خواهد گفت. از طریق با داشت‌ها، نوشته‌ها و وصیت‌نامه‌ای که از ایشان به دست ما رسیده است به خصوص اثاث‌های روزانه او در سال ۶۲ و حضور در جبهه زبیدات.

در بخش چهارم می‌گذاریم تا جهانشیر با عکس‌هایش با ما حرف بزند چه عکس‌هایی که در جبهه گرفته است و گاهی تنها است و گاهی هم در کنار هم‌رزم‌هایش و چه عکس‌هایی که در پشت جبهه انداخته است و دلش با جبهه است. عکس‌ها و اسنادی که بیشتر به همت برادر این شهید قدرت بکردستانی جمع‌آوری و در اختیار بنده گذاشته شد.

بی‌شک تالیف، چاپ و نشر این کتاب انجام نمی‌گرفت اگر پشتیبانی و پیگیری **حاج خسرو ملک محمدی** نداشت. هم‌رزم و یار وفادار

شهید جهانشیر را می‌گوییم که خود نیز دیربانه هم‌دوش و هم‌رزم شهید جهانشیر بکردستانی بوده و به خوبی با او و فضا و اش‌آشنایی دارد. در همین جا زحماتش را قدر می‌دانم و از این که بانی میر چاپ این کتاب شدند ممنون و سپاسگزارم. همچنین از کلیه کسانی که لطف کردند و اجازه دادند از خوشه‌های خاطرات و حرف‌های آنان در باره این شهید، در این کتاب بهره ببرم قدردانی می‌کنم

غلامحسین دریانورد